

Mirrors of the Unseen  
Journeys in Iran  
Jason Elliot

● آینه نادیده‌ها  
● سفرهایی در ایران  
● نوشته جیسون الیوت

۴۹۹

بنا بر بسیاری دلایل، فرهنگ و تمدن ایرانی در طول تاریخ کنجکاوای غربیان را به نحو جدی سبب گردیده است. فلات ایران محل ملاقات اهالی شرق و غرب بوده؛ بخش طولانی از جاده ابریشم عرض قلمروی پارس را طی می‌کرده و فرهنگ، هنر، زبان، مذاهب و سنن ایرانیان شگفتی مغرب زمینان را برمی‌انگیخته است. ایرانیان با آغوش باز اسلام را پذیرفته بودند اما هرگز ماهیت تاریخی خویش را ترک نگفته بلکه خدمات متقابل شایانی را نیز به جهان اسلام ارائه کردند و در بسیاری حوزه‌ها از جمله ادبیات، معماری و حتی خوشنویسی موجب تلطیف تمدن عربی گشتند. پس تعجبی ندارد که در طول تاریخ پر قدمت این سرزمین، به ویژه پس از ورود اسلام به ایران، آثار مکتوب پرشماری در دنیای غرب برای معرفی و تأمل در عجایب و شگفتی‌های این سرزمین و تمدن منحصر به فردش پدید آمده باشد. یکی از مؤثرترین و حتی محبوب‌ترین روش‌ها نزد نویسندگان و مستشرقان اروپایی برای شرح و توصیف مشاهدات و دریافته‌هایشان از این دیار و تمدن ساکنان آن، سفرنامه بوده است. از قرن نوزدهم میلادی چند سفرنامه به قلم سیاحان اروپایی پدید آمده که صرف نظر از نوع دیدگاه و کیفیت مشاهده و درکشان از فرهنگ و تمدن ایرانیان، ارزش ادبی برجسته‌ای پیدا کرده‌اند و حتی نسخ ترجمه شده آنها به زبان فارسی در تاریخ ادبیات ایران نیز

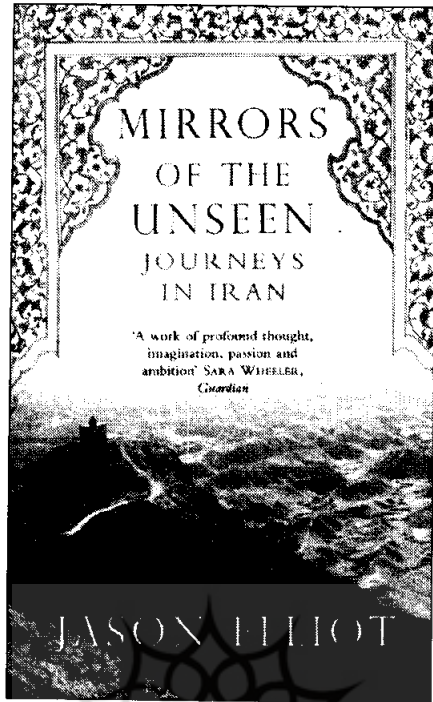
جایگاه شامخی یافته است. گذشته از رویکرد اغلب این سفرنامه‌ها که زاینده تجدید استعماری پس از آغاز عصر روشنگری در اروپا هستند، ایرانیان عمدتاً به دلیل انعطاف‌پذیری و فروتنی بی‌مانند فرهنگیشان به استقبال این سفرنامه‌ها رفته‌اند و در مواردی جدل‌های بسیار جالب توجه سیاسی و جامعه‌شناختی بر سر محتوای آنها در میان روشنفکران و ادبای ایرانی درگرفته است. در عین حال از اوایل قرن سیزدهم خورشیدی (قرن نوزدهم میلادی)، به‌خصوص در دوران دولتمرد لایق ایرانی، عباس میرزا، ولیعهد ناکام فتحعلی شاه، دانشجویان و روشنفکران زیادی با هدف کسب علوم جدید به بلاد اروپایی سفر کردند و با پیروی از سنت سفرنامه‌نویسی اروپایی، سفرنامه‌های ارزشمندی در باب مشاهدات و ادراکشان از پیشرفت‌های سریع و خیره‌کننده در اروپا به رشته تحریر درآوردند و در عین حال به ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی تمدن ایرانی از قرن یازدهم خورشیدی به بعد پرداختند و توشه تاریخی و ادبی سفرنامه‌نویسی را به زبان فارسی غنی‌تر ساختند. مورخان و نقادان، سفرنامه‌های ذیل را جزء برجسته‌ترین و درخشان‌ترین آثار این حوزه برشمرده‌اند:

سفرنامه برادران شرلی در عهد صفوی، سفرنامه ت. اندرسون (۱۸۸۰)، سفرنامه ا. آرنولد (۱۸۷۷)، سفرنامه ا. ایستویک (۱۸۶۴)، سفرنامه ا. موئسی (۱۸۷۲)، سفرنامه س. استوارت (۱۹۱۱)، سفرنامه س. ویلز (۱۸۸۳) و سفرنامه ج. موریه (۱۸۲۴).

در اینجا به بررسی سفرنامه جیسون الیوت که پیرو مکتب قدیم سفرنامه‌نویسی است، می‌پردازیم. او در سال ۲۰۰۳ میلادی به ایران آمد؛ به شهرهای مختلف از شمال به جنوب و از شرق به غرب سفر کرد. و خیلی زود با مردم هر شهر خو گرفت. او می‌نویسد، ایرانیان مثل مردم کشورش - غنی و فقیر، مهربان و سنگدل، امیدوار و ناامید هستند. از بعضی رفتارهای آنان راضی و خشنود و از بعضی دیگر مانند رانندگی در خیابان‌ها که مثل ماهی خارج از آب بی‌تابند، ناراحت و آزرده می‌شود. شکل صفحه ۱۹ کتاب.

این سفرنامه به قدری ارزنده است که دوریس لسینگ، برنده جایزه نوبل، راجع به این سفرنامه چنین اظهار می‌دارد:

«نویسنده این سفرنامه به زبان فارسی خوب مسلط است و ایرانیان را دوست دارد و آنها را می‌ستاید. از پیمودن راه‌هایی که قبلاً دیگران پیموده‌اند پرهیز می‌کند و کاری به عالم نفرت‌انگیز سیاست ندارد و با اقسام آدم‌های غیرعادی و اسرارآمیز دیدار می‌کند. جز این، معمای ریاضیات به کار رفته در معماری مساجد ایران را برای ما حل می‌کند.»



این کتاب جنجالی و تأمل برانگیز نتیجه تحقیقی مفصل است که ماهیت هنر ایرانی و اسلامی را به ما می‌شناساند و به معماری مساجد اصفهان از جمله مسجد شیخ لطف‌الله و یا کاخ‌های شاهان قدیم مثل کاخ شاه عباس و غیره اشاره می‌کند.

«اولین کتاب الیوت با عنوان فروغ منتظره به بررسی زندگی افغان‌ها می‌پردازد. او اینک در کتاب دومش از ایران سخن می‌گوید؛ با نثر بی‌نظیرش بسیاری از اسرار ایران را به نمایش می‌گذارد، به بررسی زندگی ایرانیان می‌پردازد و بر این باور است که ایرانیان زندگی دوگانه‌ای دارند که از سیاست جدا نیست. الیوت برای سفر، برنامه از پیش تعیین شده ندارد و با دست حوادث به هر جا کشیده می‌شود. همانقدر که به مشاهده طبیعت و تمدن علاقه‌مند است، از طی طریق در سفر هم لذت می‌جوید و تجربیاتش را ثبت و ضبط می‌کند.»

(از روزنامه‌های ساندی تایمز، گاردین و مجله نیویورک)

«در این عصر اهریمن‌ساز و تعصب‌آلود، کمتر کتابی را می‌توان یافت که از تصویر متفکرانه الیوت از ایران، به موقع‌تر و به‌جای‌تر باشد. الیوت با تمرکز بر روحیات و سنت‌های مردم ایران و با کنار هم نشان دادن هوشمندانه داستان‌های جهانگردان، توصیف جغرافیایی و شرح تاریخی که با رساله‌ای در باب معنای هنر اسلامی همراه شده است،

خواننده را به سوی فهم این کشور که نسل رهنمون می‌شود و شاید مهمتر از آن، نشان می‌دهد که ایران - چه چیز نیست - و از چه اوصاف و طبایعی مبراست.» (روزنامه گاردین)

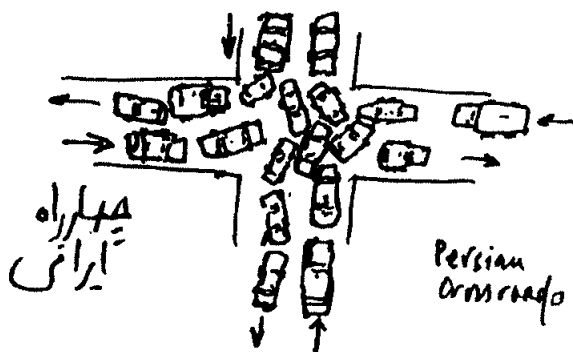
امیر طاهری در روزنامه ساندی تایمز نیز نظر خود را چنین بیان می‌دارد:

«الیوت در جستجوی قلیان کشیدن با بومی‌های اصفهان است، کاری که او می‌توانست در چایخانه‌های ادگار رود، در لندن، انجام دهد. طی سفرش به ایران به حقایق تکان‌دهنده‌ای دست می‌یابد اما، این حقیقت، صورت عمل به خود نمی‌گیرد. امروزه ایران به هیأت کشورهای غربی درآمده و الیوت از رستوران‌های زنجیره‌ای، ترافیک‌های خیابانی، استفاده از تلفن‌های همراه و کفش‌های ساخت چین صحبت می‌کند. در حالی که خانم‌ها از چادر به مثابه پوشش اسلامی استفاده می‌کنند، آقایان به تهریش‌هایشان مدل‌های غربی می‌دهند. اما الیوت عقیده دارد که اینها نوشداروهایی خفیف برای مردم کشوری هستند که بیش از حد مقبول به فرهنگ منحط غرب "آراسته" شده است. الیوت شگفت‌زده می‌شود وقتی ایرانی‌ها از پول، ماشین‌های تندرو، جراحی‌های پلاستیک، مشروبات الکلی و آرزوهایشان برای مهاجرت به سرزمین‌های لامذهب سخن می‌گویند. او بنا بر احترام به "بومیان" ریش می‌گذارد، لباس ساده می‌پوشد و از خوردن مشروبات الکلی اجتناب می‌ورزد. درست به دلیل مشاهده همین نشانه‌ها، مردم از او دوری می‌کنند چرا که او ظاهری "اسلامی" دارد. الیوت، ایران را کشوری با قدمت می‌داند و می‌گوید مسیحیت نسخه ضعیفی از اسلام است. به قدری از ایران تعریف می‌کند که ما ایرانیان به خود می‌بالیم.»

ناگفته نماند که طاهری به الیوت انتقاداتی را نیز وارد می‌داند:

«معلوم نیست منظور او از واژه "نادیده" در عنوان کتاب چیست. الیوت می‌بایست توضیح بیشتری می‌داد. آیا منظورش ساختمان‌ها و محله‌های باستانی بی‌شماری است که در حین سفر در ایران، به بازدید آنها نرفته؟ این کتاب ویرایش ضعیفی دارد مثلاً دریای خزر، پهنه آبی محصور است در حالی که او طوری از آن سخن گفته که یک اقیانوس، تجسم می‌شود. یا اینکه تیسفون، پایتخت ساسانی‌ها بوده نه پارت‌ها. و یا جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهان در سال ۱۹۷۱ برگزار شد نه در سال ۱۹۷۵. املای کلمه هایدپارک لندن (Hide Park به جای Hyde Park) صحیح نیست. سعدی و نظامی هر کسی بودند جز "عارف مسلک". و حمله اسکندر به تخت جمشید جزء جنگ‌های صلیبی بشمار نمی‌رفته است. و یا اینکه داریوش کبیر نوه کوروش کبیر نبوده

the wrong side of the road. But ten minutes of aggravated jostling, as well as a certain shared faith in the outcome, resolves the initial anarchy. No policeman is summoned: none is expected.



The sheer volume of cars in the centre of Tehran dampens the threat of high-speed collisions, but along the trembling parabolas of asphalt that link the city's neighbourhoods the traffic echoes the frenzied and violent world of a video game. Cars slew

● نقشه چهارراه به خط جیسون البوت

۵۰۳

بلکه از خوشاوند دور او بود. قلمرو ایران ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر مربع است نه ۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع.»

با همه اینها سفرنامه آینه نادیده‌ها که در مطبوعات جهان نیز در موارد متعدد مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، بسیار باارزش و خواندنی است.

### یادداشت نویسنده

هیچ کاری مانند نوشتن کتابی درباره‌ی کشوری - غیر مام میهن - نیست، تا مرزهای جهل آدمی گسترده‌تر گردد. و این امر زمانی هر چه بیشتر حقیقت می‌یابد که آن کشور از لحاظ تاریخ، فرهنگی و تنوع جغرافیایی نمایی چون ایران داشته باشد. طرح‌های خام اولیه برای سفر و پژوهش در آن دیار، گستره‌ی بی‌حد و مرزی را فرارویم نهاده بود؛ گرچه موانع عملی، مقیاس آنچه در نظرم بود را محدود ساخت، حتی نظری گذرا به آن گستره موجب می‌شود که انسان در برابر گستردگی موضوع سر تعظیم فرود آورد.

وقتی سفرهای یاد شده در کتاب را آغاز کردم، فکر می‌کردم که گذر از خطه‌ی ایران پُر دردسر و خطرناک خواهد بود: اینک اذعان می‌دارم که به هیچ روی چنین چیزی واقعیت ندارد. مسیرهایی که من برگزیدم آن قدر در گذشته طی شده و، به کمال، توصیف گشته

که حرکت من در امتداد آنها ابتدایی و پیش پا افتاده جلوه می‌کند. با وجود این آگاهی از این موضوع به من فرصت داد به موضوعات و زمینه‌های جزئی‌تری بپردازم که در طی سفرهایم به تدریج پی بردم کمتر مورد توجه دیگران قرار گرفته بوده است.

در نتیجه، در جاهایی مطالبی را آشکارا حذف کرده‌ام و نکاتی را نیز کشف کرده‌ام که با اکراه اما به اجبار در پاورقی‌ها گنجاندم یا با تخیل تاریخی آمیخته‌ام. خوشبختانه، نکات حذف شده در شمار قابل توجهی از آثار تخصصی مورد بحث واقع شده‌اند؛ و مکاشفات و افزوده‌های نگارنده نیز باید - از سوی دیگر - یادداشت‌هایی غیررسمی اما آگاهانه و مستدل قلمداد گردند.

رسیدن به فهمی از ویژگی‌های باقی و ماندگار یک فرهنگ به زمان نیاز دارد؛ و سفرهایی که در اینجا توصیف کرده‌ام طی چند سال و در فصول مختلف صورت پذیرفته‌اند. این سفرها - سخاوتمندانه - در اثر آشفتگی‌های موقت کنونی با مانعی روبه‌رو نشد و مورد لطف مهمان‌نوازی و مهربانی ایرانیان در سراسر کشورشان نیز واقع گردید.

سپاس ویژه‌ای را به میزبانم و خانواده‌اش در تهران به خاطر دینی که از ایشان دارم، تقدیم می‌کنم. از سیسیل هورانی نیز برای آنکه اول بار لوئیس فیروز را به من معرفی کرد، سپاسگزارم؛ از سایمون شرکلیف در سفارت بریتانیا در تهران که در مواقع نیاز با من سخاوتمند بود، تشکر می‌کنم؛ و از نماینده خود، گیلون آیتکن، که از خیلی جهات دیگر مرا یاری داد، ممنونم و همچنین از گروه ویراستاران در انتشارات پیکاردو. تشکر مخصوص از شارلوت گریک و نیکلاس بلیک دارم. از پروفیسور لئونارد لويسون نیز ممنوم که مرا یاری کرد صدای حافظ را بشنوم؛ و از استفان گودچالید بابت فراهم ساختن سرپناهی دنج که در آن بتوانم این سطور را به رشته تحریر درآورم، اثری که سرانجام به پایان رسیده و اینک باید به خواننده تقدیمش دارم.

جیسون ج. و. الیوت